مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

السلام علیک یا صاحب الزمان

ارغوان

اثبات شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها در منطوق صحابه

بسم الله الرحمن الرحیم

ارغوان

نویسنده:

علی لباف

ناشر چاپی:

منیر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ارغوان

مشخصات کتاب

سرشناسه: لباف علی ۱۳۵۳ - گردآورنده عنوان و نام پدیدآور: ارغوان: اثبات شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام در منطق صحابه / به اهتمام علی لباف. مشخصات نشر: تهران: منیر ۱۳۸۸ مشخصات ظاهری: ۴۰ ص. شابک: ۹۵۰۰ریال۹۷۸: ۵ - ۱۳۱ - ۵۳۹ - ۹۶۴ وضعیت فهرست نویسی: فاپا یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. عنوان دیگر: اثبات شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام در منطق صحابه. موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - - نظر اهل سنت موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - - شهادت - - ماخذ موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق - - تعقیب و ایذاء رده بندی کنگره: ۴الف۲ل / ۱۳۸۸۲ / ۲۷BP رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۸۶۱۹۶

انگیزه نگارش

شبکه ماهواره‌ای «المستقله» اقدام به پخش برنامه‌ای زنده از تاریخ ۱ / ۴ / ۱۳۸۷ با هدف نقد و بررسی «حضرت به شهادت رسیدن زهرا علیهاالسلام » نمود. موضوع این برنامه که هشت شب متوالی ادامه داشت، بر اساس آنچه در زیرنویس‌های تبلیغی این شبکه بارها بر آن تأکید می‌شد، طرح این ادعا بود که: «حضرت زهرا علیهاالسلام به مرگ طبیعی از دنیا رفته‌اند. »! دقت در مباحث مطرح شده در این برنامه، به وضوح حاکی از آن بود که دست اندرکاران این شبکه ماهواره‌ای، تلاش دارند تا درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام را به عنوان یک «مرگ عادی و طبیعی» جلوه دهند: یعنی «مرگی که با عملکرد دستگاه خلافت، هیچ گونه ارتباطی نداشته و با رفتارهای متصدیان خلافت، هیچ گونه پیوندی ندارد. » در هنگام تأمل در زیرنویس‌های تبلیغی این برنامه، پرسشی به ذهنم خطور کرد که انگیزه اصلی نگارش این کتاب را فراهم آورد: آیا می‌توان تنها با استناد به منابع معتبر اهل سنت، «وقوع مرگ عادی و طبیعی = مرگی بی ارتباط با عملکرد متصدیان ادعای خلافت» ؟ را زیر سؤال برد و آن را در معرض ابهام و تردید جدی قرار داد به عبارت دیگر: آیا می‌توان ادعای «طبیعی بودن و وقوع عادی مرگ = مرگی بی ارتباط با رفتارهای نظام حاکم» را از حالت یک پاسخ «انحصاری» خارج ساخت و جایگاه آن را از یک «نتیجه قطعی»، به یک «احتمال ظنی» در کنار احتمال مرگ غیر طبیعی پایین آورد و فرو کاست؟

گفتار یکم: پرسش‌های بی طرفانه

در مسیر پاسخگویی: گام اول

برای لحظاتی خود را در مقام پژوهشگری فرض کردم که از حوادث سیاسی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله مختصر خبری دارد (۱) و اینک، از شنیدن خبر مرگ زودهنگام حضرت زهرا علیهاالسلام که با فاصله کوتاهی پس از رحلت پدرش رخ داد، کنجکاوی اش برانگیخته شده و لذا، سعی دارد به بازخوانی ماجرای درگذشت دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بپردازد. ابتدا سعی کردم ذهنم را به طور کامل از همه دانسته‌های قبلیم درباره شهادت آن بانو علیهاالسلام تهی سازم و سپس، همه دانسته‌هایم درباره حوادث سیاسی پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به مندرجات کتب اهل سنت منحصر گردانم. یعنی فرض کردم که پژوهشگری هستم بی طرف، که نه تنها هیچ یک از کتاب‌های شیعیان در اختیارش نمی‌باشد؛ بلکه از دیدگاه شیعیان در خصوص علل و نحوه درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام نیز هیچ اطلاعی ندارد و در این میان، تنها نکته‌ای که او را به بازنگری

در این مسأله واداشته، کوتاهی دوران حیات آن بانو علیهاالسلام پس از جابجایی قدرت سیاسی در سقیفه‌ی بنی ساعده و مرگی زود هنگام آن هم در سنین جوانی می‌باشد. اگر برای دقایقی خود را به جای من در چنین موقعیتی قرار دهید، به خوبی درک خواهید نمود که چگونه یک محقق، از شنیدن خبر مرگ زودهنگام حضرت زهرا علیهاالسلام ، به فکر فرو می‌رود و متعجب می‌شود. تعجبی برخاسته از شایدهای فراوان که او را به بررسی و مطالعه دوباره روزهای پایانی حیات آن حضرت علیهاالسلام فرا می‌خواند: □ آیا این مرگ زودهنگام، می‌تواند در ارتباط با خروج قدرت سیاسی از بنی هاشم و جابجایی حاکمیت در سقیفه بنی ساعده قرار گیرد؟ □ آیا می‌توان میان وقوع این مرگ زودهنگام و مخالفت‌های اهل بیت علیهم السلام با روند حاکم بر نظام سیاسی جامعه، رابطه‌ای بر قرار ساخت؟ □ آیا می‌توان از کنار مرگ اعضای خانواده‌ی یک رهبر دارای قدرت سیاسی آن هم در فاصله‌ی اندکی پس از وقوع اختلاف بر سر جانشینی آن رهبر، به سادگی گذر کرد؟

گفتار دوم: کشف خشمی شدید و غضبی دائمی

در مسیر پاسخگویی: گام دوم

در مسیر این تحقیق، قبل از هر چیز باید به دنبال گزارش‌هایی می‌گشتم که وضعیت جسمانی و یا اوضاع و احوال روحی آن حضرت علیهاالسلام را در روزهای پایانی حیاتش، برایم ترسیم نماید. دستیابی به هرگونه گزارشی در این زمینه، به قضاوت نهایی ام درباره علت مرگ زودهنگام آن حضرت علیهاالسلام ، کمک شایانی می‌نمود. روزها گذشت ... سخنگویان شبکه المستقله مدعی بودند: درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام هیچ گونه ارتباطی با عملکرد دستگاه خلافت نداشته و میان مرگ آن بانو با رفتارهای متصدیان حکومت وقت، هیچ گونه رابطه‌ای یافت نمی‌گردد. در حالی که مطالعات من در این مدت، نشان می‌داد که مرگ حضرت زهرا علیهاالسلام ، در حالتی از فوران خشم و غضب نسبت به صاحبان قدرت و متصدیان خلافت، رخ داده است. من که این گزارش ها را پس از ساعت ها جستجو، از معتبرترین منابع اهل سنت به دست آورده بودم، هرگز نمی‌توانستم با ساده انگاری آنها را به باد فراموشی بسپارم؛ چرا که محتوای این گزارش‌ها، می‌توانست در تعارضی واضح و آشکار با ادعای «مرگ عادی و طبیعی حضرت زهرا علیهاالسلام = مرگی بی ارتباط با عملکردهای متصدیان خلافت» قرار گیرد و آن را با چالشی جدی مواجه سازد. این گزارش‌ها، از وقوع یک سری اختلاف‌های مالی میان حضرت زهرا علیهاالسلام و نظام حاکم خبر می‌داد؛ (۲) اختلافی جدی که چندین هفته قبل از درگذشت آن بانو رخ داده و نقطه پایان بخش آن، خشمناکی شدید حضرت زهرا علیهاالسلام از عملکرد متصدیان خلافت بود. عروهٔ بن زبیر از عایشه نقل کرده است که:

سند شماره ۱ و ۲

فوجدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک، فهجرته فلم تکلمه حتی توفیت (... ۳) [در ماجرای اختلافات مالی و مواجهه با عکس العمل ناعادلانه خلیفه] فاطمه بر ابوبکر خشمگین شد؛ پس با او قطع رابطه کرد و [به نشانه اعراض و روی برگرداندن از ابوبکر] با او سخن نگفت تا از دنیا رفت...

سند شماره ۳ و ۴

فغضبت فاطمه بنت رسول الله، فهجرت ابابکر فلم تزل مهاجرته حتی توفیت. (۴) فاطمه بر ابوبکر غضبناک شد و با او قطع رابطه کرد و این قطع رابطه و قهر وی تا وفاتش ادامه یافت.

سند شماره ۵ و ۶

فهجرته فاطمه، فلم تکلمه حتی ماتت. (۵) [در ماجرای غصب اموال] فاطمه با ابوبکر قطع رابطه کرد؛ پس با ابوبکر سخن نگفت تا از دنیا رفت.

سند شماره ۷

وجـدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک. (۶) [در مـاجرای مطالبه حقوق مالی، یعنی: دادخواست استرداد میراث، فیء، فـدک و مابقی خمس خیبر] فاطمه بر ابوبکر خشمگین و غضبناک شد.

سند شماره ۸

فغضبت فاطمه فهجرته فلم تزل بذلک حتی توفیت. (۷) [در مـاجرای دادخواست مالی از ابوبکر] فاطمه خشم گرفت و غضب کرد و ابوبکر را ترک نمود و این قطع رابطه، پیوسته ادامه داشت تا از دنیا رفت.

سند شماره ۹

فغضـبت و هجرت ابابکر حتی توفیت. (۸) [در مـاجرای حقوق مـالی و مطالبه آن، فاطمه علیهاالسـلام] بر ابوبکر غضب نمود و با او قطع رابطه کرد تا از دنیا رفت.

سند شماره ۱۰

فوجـدت فاطمه علی ابی بکر فی ذلک، فهجرته فلم تزل مهاجرته حتی توفیت. (۹) [در ماجرای غصب اموال] فاطمه بر ابوبکر غضب کرد و با او قطع رابطه نمود تا از دنیا رفت.

سند شماره ۱۱

فوجـدت فـاطمه علی ابی بکر فی ذلک فهجرته، فلم تکلمه حتی توفیت. (۱۰) [در ماجرای غصب اموال] فاطمه بر ابوبکر خشـمگین شد و با او قطع رابطه کرد و با او سخن نگفت تا از دنیا رفت.

سند شماره ۱۲ و ۱۳

فوجـدت فـاطمه علی ابی بکر من ذلـک. (۱۱) [ابـوبکر از اسـترداد امـوال غصب شـده امتنـاع کرد] و بـدین جهت، فـاطمه بر ابوبکر خشمگین و غضبناک شد.

سند شماره ۱۴ و ۱۵ و ۱۶

فغضـبت فـاطمه فهجرت ابابکر فلم تزل مهاجرهٔ له حتی توفیت. (۱۲) [در مـاجرای حقوق مـالی] فاطمه غضب کرد و ابوبکر را ترک نمود و این قطع رابطه، پیوسته ادامه داشت تا از دنیا رفت.

سند شماره ۱۷

فغضبت فاطمه و هجرته فلم تکلمه حتی ماتت. (۱۳) [در ماجرای غصب اموال توسط ابوبکر] فاطمه غضبناک شد و او را ترک کرد و با او سخن نگفت تا از دنیا رفت. تمامی این گزارشها، از وقوع تردیدناپذیر خشمی شدید و غضبی دائمی سخن می گفت که تا پایان حیات حضرت زهرا علیهاالسلام ، لحظه‌ای خاموش نگردید. (۱۴) دستیابی به چنین گزارش‌های تکان دهنده‌ای، مرا در تفکری عمیق فرو برد و با نتایج جدیدی مواجه نمود:

[نتایج]

نتیجه اول: [اختلاف مالی میان حضرت زهرا علیها السلام و نظام حاکم]

اشاره

چند هفته پیش از درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام ، اختلافاتی مهم در زمینه حقوق مالی، میان آن حضرت علیهاالسلام و نظام حاکم، پدید آمد.

سند شماره ۱

عروهٔ بن زبیر از عایشه نقل کرده است که: ان فاطمه بنت النبی ارسلت الی أبی بکر تسأله میراثها من رسول الله مما افاء الله علیه بالمدینه و فَدک و ما بقی من خمس خیبر ... فابی أبوبکر ان یدفع الی فاطمه منها شیئا. (۱۵) همانا فاطمه دختر رسول خدا، فردی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود از رسول خدا را، از او طلب نمود. این مطالبه شامل: فیء، فدک و باقی مانده خمس خیبر بود ... اما ابوبکر از این که چیزی از این اموال را به وی پس بدهد، خودداری ورزید.

سند شماره ۲

ان فاطمه بنت رسول الله ارسلت الی أبی بکر الصدیق تساله میراثها من رسول الله مما افاء الله علیه بالمدینه و فَدک و ما بقی من خمس خیبر ... فابی أبوبکر ان یدفع الی فاطمه منها شیئا. (۱۶) همانا فاطمه دختر رسول خدا، فردی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود از رسول خدا را، از او طلب نمود. این مطالبه شامل: فیء، فدک و باقی مانده خمس خیبر بود ... اما ابوبکر از این که چیزی از این اموال را به وی پس بدهد، اجتناب ورزید.

سند شماره ۳

ان فاطمه بنت رسول الله ارسلت الی أبی بکر الصدیق تساله میراثها من رسول الله مما افاء الله علیه بالمدینه و فَدک و ما بقی من خمس خیبر ... فابی أبوبکر ان یدفع الی فاطمه شیئا. (۱۷) همانا فاطمه دختر رسول خدا، فردی را نزد ابوبکر فرستاد و میراث خود از رسول خدا را، از او طلب نمود. این مطالبه شامل: فیء، فدک و باقی مانده خمس خیبر بود ... اما ابوبکر از این که چیزی از این اموال را به وی پس بدهد، دریغ ورزید.

سند شماره ۴

و کانت فاطمه تسال أبابکر نصیبها مما ترک رسول الله من خیبر و فَدک و صدقته بالمدینه فابی أبوبکر علیها ذلک. (۱۸) فاطمه از ابوبکر خواست که سهم وی از میراث پیامبر (یعنی: آنچه از سهم خیبر برای پیغمبر باقی مانده بود، فدک و صدقات مدینه) را به وی پس بدهد. ولی ابوبکر از پس دادن این اموال امتناع ورزید.

سند شماره ۵

و کانت فاطمه تسال أبابکر نصیبها مما ترک رسول الله من خیبر و فَدک و صدقته بالمدینه فابی أبوبکر علیها ذلک. (۱۹) فاطمه از ابوبکر خواست که سهم وی از میراث پیامبر (یعنی: آنچه از سهم خیبر برای پیغمبر باقی مانده بود، فدک و صدقات مدینه) را به وی پس بدهد. ولی ابوبکر از پس دادن این اموال امتناع ورزید.

نتیجه دوم: [خشم و غضب حضرت زهرا علیها السلام از دستگاه حکومت تا پایان عمر]

اشاره

این اختلافات، سرانجام به خشم و غضب حضرت زهرا علیهاالسلام بر متصدیان حکومت وقت منتهی گردید و این خشمناکی و غضب ورزی، از لحظه پیدایش آن، تا پایان حیات آن حضرت علیهاالسلام استمرار و تداومی شبانه روزی یافت و در طول چندین هفته متوالی، بر زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام سایه افکند. چنانچه در نقل صحیح بخاری (حدیث شماره ۶۲۳۰) به ترتیب، درباره موضع گیری‌های حضرت زهرا علیهاالسلام می‌خوانیم:

[موضع گیری در سه مرحله]

مرحله اول:

فهجرته فاطمه. فاطمه با ابوبکر قطع رابطه کرد.

مرحله دوم:

فلم تکلمه. لذا با او سخن نگفت.

مرحله سوم:

حتی توفیت. تا زنده بود، این سخن نگفتن ادامه داشت. توجه در این نقل، عبارت فلم تکلمه پس از عبارت فهجرته آمده است. به سخن دیگر، فلم تکلمه نتیجه و محصول (۲۰) فهجرته می‌باشد و به همین دلیل، نمی‌توان عبارت فلم تکلمه را به معنای «سکوت ناشی از قانع شدن» دانست. (۲۱) همچنین در نقل صحیح بخاری (حدیث شماره ۳۹۱۳) و نقل صحیح مسلم (حدیث شماره ۳۳۰۴)

به ترتیب، درباره موضع گیری‌های حضرت زهرا علیهاالسلام می‌خوانیم:

[موضع گیری در چهار مرحله]

مرحله اول:

فوجدت فاطمه علی أبی بکر. فاطمه بر ابوبکر غضبناک شد.

مرحله دوم:

فهجرته. لذا با او قطع رابطه کرد.

مرحله سوم:

فلم تکلمه. لـذا بـا او سـخن نگفت. مرحله چهارم: حتی توفیت. این سـخن نگفتن اسـتمرار داشت، تا از دنیا رفت. توجه: در این نقل، عبـارت «فهجرته»پس از عبـارت «فوجـدت علی أبی بکر» قرار دارد. به عبـارت دیگر، «فهجرته» نـتیجه و محصول «فوجـدت علی أبی بکر» و فعل «فلم تکلمه» نتیجه و محصول دو فعل «غضب» و «قطع رابطه» می‌باشد و به همین دلایل، نمی‌توان آن را به «سکوت ناشی از قـانع شـدن» تفسیر کرد. جـالبتر آن که دو فعل: فوق، یعنی «خشم و غضب بر ابوبکر» و «قطع رابطه با ابوبکر» که فعل «فلم تکلمه» محصول و نتیجه این دو فعل می‌باشد، در نصوص متعددی قابل مشاهده است:

[اسناد]

سند شماره ۱

فغضبت فاطمه فهجرته فلم تزل بذلک حتی توفیت. (۲۲) فاطمه بر ابوبکر غضب نمود و با او قطع رابطه کرد و تا زنده بود این حالت استمرار داشت.

سند شماره ۲

فغضبت و هجرت أبابکر حتی توفیت. (۲۳) [فاطمه] بر ابوبکر غضب کرد و تا زنـده بود با او قطع رابطه نمود و غضـبش [بر ابوبکر] استمرار داشت.

سند شماره ۳

فلم تزل مهاجرته حتی توفیت. (۲۴) تا [فاطمه] زنده بود، قطع رابطه‌اش با ابوبکر استمرار و تداوم داشت.

سند شماره ۴

فلم تزل مهاجرهٔ له حتی توفیت. (۲۵) تا [فاطمه] زنده بود، قطع رابطه‌اش با ابوبکر همواره ادامه داشت.

جمع بندی

بـا توجه به نصوص متعـددی که از تحقق دو فعل «خشم و غضب بر ابوبکر» و «قطع رابطه با ابوبکر» حکایت دارنـد، اشـتباه است که فعـل «فلم تکلمه» که بـا «فاء تفریع» و به دنبال فعل‌های «فوجـدت علی أبی بکر» و «فهجرته» آمـده است را به «سـکوت ناشـی از قانع شـدن» معنـا نمـاییم. تـذکر منظور از عبـارت «فلم تکلمه»، ترک هر نوعی از سـخن گفتن است که آن سـخن، دلیلی بر عـدم اعراض محسوب شود.

نتیجه سوم

اشاره

این خشم پیوسـته و غضب طولانی مـدت، بسـیار عمیق و شدیـد بود؛ به گونه‌ای که به «وصـیت به دفن شـبانه» منجر گردید برخی از اسناد «وصیت به دفن شبانه» را می‌توان در منابع ذیل یافت.

سند شماره ۱

المصنف (تألیف: عبدالرزاق صنعانی، متوفای ۲۱۱)، ج ۳، ص ۵۲۱

سند شماره ۲

تأویل مختلف الحدیث (تألیف: ابن قتیبه، متوفای ۲۷۶)، ص ۳۰۰

سند شماره ۳

انساب الأشراف (تألیف: بلاذری، متوفای ۲۷۹)، ج ۲، ص ۳۴

سند شماره ۴

الإستیعاب (تألیف: ابن عبـدالبر، متوفای ۴۶۳)، ج ۴، ص ۱۸۹۸ • تذکری در حاشـیه ابن ابی الحدید معتزلی (۲۶) (متوفای ۶۵۶) در ارزیـابی نقل‌هـای «وصـیت حضـرت زهرا علیهاالسـلام به دفن شـبانه» می‌نویسـد: بـل یقع الإحتجـاج بـذلک علی ما وردت بالروایات المستفیضه الظاهر ةُ التی هی کالتواتر، انها اوصت بان تدفن لیلا حتی لا یصلی الرجلان علیها و صرحت بذلک و عهدت فیه (... ۲۷)

...روایات مستفیضه (= متعدد) که در حد تواتر است، دلالت می کند که ایشان وصیت نمود که وی را شبانه دفن کنند؛ برای آن که آن دو مرد [ابوبکر و عمر] بر او نماز نخوانند. و به این خواسته‌اش تصریح و تأکید فرمود و بر انجام آن، پیمان گرفت...

گفتار سوم: پیوندی ناگسستنی میان خشم و بیماری

در مسیر پاسخگویی: گام سوم

هرچه بیشتر به این نتایج دقت می کردم و به آنها می‌اندیشیدم، این پرسش ها در ذهنم بزرگتر جلوه می کرد: پرسش اول آیا می توان از تأثیرگذاری چنین خشم و غضبی شدید، پایدار و طولانی مدت، بر جسم و جان حضرت زهرا علیهاالسلام چشم پوشی کرد و آن را نادیده انگاشت؟ پرسش دوم آیا این گونه خشمناکی و غضب ورزی، آن هم در روزهای واپسین حیات حضرت زهرا علیهاالسلام ، از هیچ گونه تأثیرگذاری جانکاهی بر جسم حضرت زهرا علیهاالسلام برخوردار نبوده است؟ پرسش سوم آیا هیچ ارتباطی میان مرگ زودهنگام حضرت زهرا علیهاالسلام و فرود آمدن چنین موجی از خشم و غضب بر جسم و جان آن حضرت علیهاالسلام ، برقرار نمی‌باشد؟ در نخستین روزهایی که به این پرسش ها فکر می کردم و پاسخ آن ها را در ذهنم مرور می‌نمودم، با خود می‌اندیشیدم که: چنین حجم عظیمی از خشم و غضب، اگر شبانه روز، با جسم و جان فردی همراه شود، حتما در طول چندین هفته، قادر خواهد بو د که عوارض جسمانی جانکاهی را با خود به همراه آورد. آن روزها در این اندیشه به سر می‌بردم که: اگر چنین خشم عمیق و غضب دامنه داری، روزهایی متمادی با جسمی سالم همراه گردد، چه بلایی بر سر آن خواهد آورد و آیا همچنان، مرگی که در پی این همراهی رخ می‌دهد را می‌توان مرگی «عادی و طبیعی» !؟ خواند ولی امروز با پرسش جدیدی در ذهنم مواجه شدم که عمق فاجعه را برایم آشکار می‌ساخت: پرسش چهارم اگر چنین خشم و غضبی، بر جسمی «بیمار» فرود آید و روزهای متمادی همراهش گردد، سرانجام، با آن «بیمار» چه خواهد کرد؟ هنگامی که صفحات تاریخ را با دقت بیشتری ورق بزنیم، با نشانه‌های تردیدناپذیری از «بیماری» حضرت زهرا علیهاالسلام مواجه می گردیم (۲۸) : لما مرضت فاطمه علیهاالسلام المرضه التی توفیت بها دخل النساء علیها فقلن کیف اصبحت من علتك یا بنت رسول الله؟ هنگامی که فاطمه بیمار شد یعنی همان مرضی که بر اثر آن از دنیا رفت زنان [مهاجران و انصار] به عیادت او آمدند و پرسیدند: با این بیماری چگونه‌اید، ای دختر رسول خدا؟ قالت: اصبحت و الله عائفه (۲۹) لدنیاکن قالیه (۳۰) لرجالکن (... ۳۱) فرمود: به خدا سوگند، چنین شده ام که به دنیای شما بی میلم و از مردانتان متنفرم. (۳۲) با خود می‌اندیشیدم: بی شك، خشم و غضب حضرت زهرا علیهاالسلام بر نظام خلافت، نه تنها می توانسته این بیماری را به درازا بکشاند و روند بهبودی آن را با تأخیر مواجه سازد، بلکه فراتر از آن، می‌تواند از عوامل شدت یافتن این بیماری محسوب گردد. بدین ترتیب، احتمال برقراری پیوندی میان بیماری و مرگ، بر اثر شدت غضب حضرت زهرا علیهاالسلام بر دستگاه خلافت، قوت بیشتری پیدا می کند و ادعای مرگی طبیعی و بی ارتباط با عملکرد متصدیان حکومت را در هاله‌ای از ابهام و تردید فرو می‌برد.

گفتار چهارم: مرگی مظلومانه

در مسیر پاسخگویی: گام چهارم

شاید اگر با دقت بیشتری صفحات تاریخ را ورق بزنیم، به نشانه‌هایی پنهان از دلایل پیدایش بیماری حضرت زهرا علیهاالسلام نیز دست یابیم؛ (۳۳) اما آنچه در این مرحله می‌خواهم بر آن تأکید بورزم، توجه به این نکته است که: منشأ پیدایش این بیماری، هر چه که باشد و این بیماری به هر دلیلی که پدید آمده باشد: ۱) تردیدی نیست که: این بیماری آن قدر قابل توجه و حائز اهمیت بوده

است که زنان مهاجر و انصار را به عیادت آن بانو علیهاالسلام آورده است. □ این بیماری آن قدر ادامه و استمرار یافته است که به درگذشت آن بانو علیهاالسلام متصل گردیده است. ۲) تردیدی نیست که: □ این بیماری با خشم عمیق و غضب شدید آن بانو علیهاالسلام بر نظام خلافت قرین و همراه بوده است. □ خشم و غضب آن بانو علیهاالسلام نیز به دلیل عملکردهای ناعادلانه‌ی نظام خلافت در مواجهه با غصب حقوق اجتماعی آن حضرت علیهاالسلام رخ داده است. ۳) تردیدی نیست که: □ این خشم و غضب برخاسته از رفتارهای نابخشودنی متصدیان خلافت، از تأثیرگذاری جانکاهی بر جسم بیمار آن بانو علیهاالسلام برخوردار بوده است. □ این خشم و غضب برخاسته از رفتارهای متصدیان خلافت، مانع بهبودی آن بانو علیهاالسلام گردیده است. □ این خشم و غضب برخاسته از رفتارهای متصدیان خلافت، به تشدید بیماری آن بانو علیهاالسلام و اتصال بیماری به مرگ، کمک شایانی کرده است. در نتیجه: □ این خشم و غضب رخ داده در حین بیماری، میان عملکردهای متصدیان خلافت و درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام ، ارتباطی ناگسستنی پدید آورده است؛ به گونه‌ای که: دیگر نمی‌توان آن را «مرگی طبیعی» قلمداد کرد و تأثیرپذیری آن از رفتارهای متصدیان خلافت را منکر گردید؛ بلکه بایستی آن را «مرگی مظلومانه» به شمار آورد.

گفتار پنجم: واکنشی معصومانه و خداپسندانه

در مسیر پاسخگویی: گام پنجم

تا این مرحله از تحقیق و تفحص، به این نتیجه دست یافتیم که: آنچه بیماری حضرت زهرا علیهاالسلام را تشدید نمود و موجبات عدم بهبودی ایشان را فراهم آورد، خشم و غضب ویژه آن حضرت علیهاالسلام از عملکردهای ناشایست حاکمان وقت بود. بدین ترتیب، درگذشت حضرت زهرا علیهاالسلام ، از «مرگی عادی و طبیعی» به «مرگی مظلومانه» تبدیل گردید مرگی که تحت تأثیر مستقیم رفتارهای متصدیان خلافت پدید آمده بود. اما نکته مهمی که تاکنون بدان نپرداختیم، دقت در احادیثی است که با استناد به آنها ثابت می‌شود: □ خشم و غضب ویژه حضرت زهرا علیهاالسلام بر متصدیان خلافت که به مرگ مظلومانه ایشان انجامید، رنگ و صبغه‌ای خدایی داشت و واکنشی خداپسندانه نسبت به عملکردهای ناعادلانه صاحبان قدرت و حکومت بوده است. به عبارت دیگر، دقت در احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره شأن و منزلت حضرت زهرا علیهاالسلام به روشنی ثابت می‌کند: □ عملکرد حضرت زهرا علیهاالسلام در مواجهه با رفتارهای ناعادلانه متصدیان خلافت (یعنی همان خشمناکی و غضب ورزی خاصی که بیماری ایشان را به سوی مرگ سوق داد)، مورد رضایت خدای متعال بوده است. هنگامی که صفحات کتب اهل سنت را ورق می‌زدم، با احادیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله مواجه شدم که همگی آن‌ها، به وضوح بر این اصل بنیادین تصریح می‌نمودند که: ان الله عز و جل یغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاها. همانا خدای متعال به غضب فاطمه، غضب می‌کند؛ و به خشنودی او، خشنود می‌شود. □ یعنی: هر گونه خشم و غضبی که از سوی حضرت زهرا علیهاالسلام ابراز گردد، عملکردی خداپسندانه و واکنشی مورد رضای خدا، و به دور از هرگونه تمایلات شخصی و انگیزه‌های دنیوی می‌باشد. (۳۴) لذا، با استناد به این اصل بنیادین، باید گفت: □ بدون شک، خشمناکی حضرت زهرا علیهاالسلام در ماجرای اختلاف مالی با نظام خلافت، واکنشی خداپسندانه بوده است. □ بدون شک، حضرت زهرا علیهاالسلام با آگاهی کامل از این که خشم و غضب وی بر متصدیان حکومت، موجبات تشدید بیماری و عدم بهبودیش را فراهم می‌آورد، در راه رضای خدا، عوارض جانکاه این واکنش خداپسندانه را بر جسم بیمارش پذیرفت. □ بدون شک، حضرت زهرا علیهاالسلام با به جان خریدن آزردگی‌های ناشی از این واکنش خداپسندانه، در راه رضای خدا، به استقبال مرگ شتافت.

گفتار ششم: شهادت در منطق صحابه

در مسیر پاسخگویی: گام آخر

روزهـای متمادی در این انـدیشه به سر می‌بردم: □ اگر شـخص بیماری که به استراحت نیاز دارد تا بهبودی خود را باز یابـد «در راه رضای خدا» آن چنان «خداپسندانه» بر عده‌ای غضب نماید که بیماری اش شدت یافته و به درگذشت او منتهی گردد؛ چرا مرگ او را نمی‌توان «شـهادت» !؟ نامید بگذارید سؤالم را به شکل دیگری مطرح سازم: □ اگر بشنوید که فردی «در راه رضای خدا» به انجام عملی «خداپسـندانه» اقدام نموده و در راه تحقق بخشیدن به آن عمل، آن قدر استقامت ورزیده تا جان خویش را از کف داده است؛ آیـا از مرگ او به «شـهادت» تعبیر نمی‌کنیـد!؟ برای آن که با قاطعیت به پرسش‌هایم پاسخ مثبت دهیـد، با من همراه شویـد تا نکته جـالبی را برایتـان بـازگو نمـایم: □ زینب همسر ابوالعاص بن ربیع پس از غزوه بـدر (یعنی در سال دوم هجری)، از مکه، عازم شـهر مـدینه (= هجرت) شـد. هبـار بن اسود از کفـار قریش در مسـیر این هجرت، بـا حمله به کجـاوه زینب، او را ترسانـد. [بنـابر نقل‌های تـاریخی،] زینب نیز به دلیل زمین خوردن (یا وحشتزدگی) فرزنـدش را سـقط نمود. او پس از این حادثه، سال ها در مـدینه زنـدگی کرد تا سرانجام در سال هشـتم هجری در حالی که هنوز آثاری از بیماری ناشـی از سـقط فرزندش را مشاهده می‌نمود از دنیا رفت. ابن کثیر دمشـقی مورخ نامـدار اهل سـنت نقل می‌کند که: صـحابه، [تنها با اسـتناد به این نکته که زینب، شـش سال قبل و در مسیر «هجرت» (که عملی خداپسـندانه و در راه رضای خداست) به بیماری خاصی مبتلا گردیده بود که عوارض آن تا پایان حیاتش ادامه داشت] درباره مرگ زینب، بر این باور بودند که: «ماتت شـهیده. » (۳۵) به راستی، اگر می‌توان به واسطه بیماری زینب، مرگ او را به هجرتش در شـش سـال قبل وصل کرد و درگـذشت او را «شـهادت» ؛ دانست بی شک، در منطق صـحابه، می‌توان از درگذشـت حضرت زهرا علیهاالسلام نیز که به واکنش خداپسندانه‌اش بر حاکمان وقت اتصالی کامل داشت با عنوان «شهادت» یاد کرد. (۳۶)

پی‌نوشت

(۱) – علاقمنـدان را به مطالعه کتاب «خاسـتگاه خلافت» (تألیف: عبـدالفتاح عبدالمقصود، ترجمه: دکتر سـید حسن افتخارزاده، نشر آفاق) دعوت می‌نمایم. (۲) – علاقمندان را به مطالعه بخش دوم از کتاب «درسـنامه‌های فاطمیه» (. تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) دعوت می‌نمایم (۳) – صحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳؛ [نقل مشابه:] صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴. (۴) – صحیح بخاری، حدیث شـماره ۲۸۶۲؛ [نقل مشابه:] مسند احمد بن حنبل، حدیث شـماره ۲۵. (۵) – صـحیح بخاری، حدیث شماره ۶۲۳۰؛ [نقل مشابه:] تاریخ المدینه (تألیف: ابن شبه)، ج ۱، ص ۱۹۷. (۶) – مسـند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۵۲. (۷) – جامع الاصول (تألیف: ابن اثیر)، ج ۱۰، ص ۳۸۶ (۸) – تاریخ الاسلام (تألیف: ذهبی)، ص ۲۱. (۹) – تاریخ الخمیس (تألیف: دیار بکری)، ج ۲، ص ۱۷۳. (۱۰) – مشکل الآثار (تألیف: طحاوی)، ج ۱، ص ۴۷ – ۴۸ (۱۱) – سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰؛ [نقل مشابه:] صحیح ابن حبـان، ج ۱۱، ص ۱۵۲ – ۱۵۳. (۱۲) – سـنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰؛ [نقل‌های مشابه:] المصـنف (تألیف: صـنعانی)، ج ۵، ص ۴۷۲؛ مسـند ابی عـوانه، ج ۴، ص ۲۵۱. (۱۳) – سـنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰. (۱۴) – علاقمنـدان را به مطـالعه بخش یکم از کتـاب «درسـنامه‌های فاطمیه» دعوت می‌نمایم. (۱۵) – صـحیح بخاری، حدیث شماره ۳۹۱۳. (۱۶) – مسـند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۵۲. (۱۷) – صحیح مسلم، حدیث شماره ۳۳۰۴. (۱۸) – صحیح بخاری، حدیث شماره ۲۸۶۲. (۱۹) – مسند احمد بن حنبل، حدیث شماره ۲ (۲۰) – معنای «فاء تفریع» در ادبیات عرب. (۲۱) – ابن حجر عسقلانی در کتاب «فتح الباری»، ج ۶، ص ۱۳۹ بر همین نکته تصریح دارد (۲۲) – جامع الاصول (تألیف: ابن اثیر)، ج ۱۰، ص ۳۸۶ (۲۳) – تاریخ الاسلام (تألیف: ذهبی)، ص ۲۱. (۲۴) – تاریخ الخمیس (تألیف: دیار بکری)، ج ۲، ص ۱۷۳. (۲۵) – سنن بیهقی، ج ۶، ص ۳۰۰. (۲۶) – در اثبات تعصب مذهبی او همین بس که وی جلد دوازدهم از شـرحش بر کتاب نهج البلاغه را به دفاع از خلیفه دوم و ذکر فضائل ساختگی او اختصاص داده است. همچنین

بزرگان اهل سنت در کتاب‌های خود، به «معتزلی» بودن او تصریح نموده‌اند: الأعلام (تألیف: زرکلی)، ج ۳، ص ۲۸۹ وفیات الأعیان (تألیف: ابن خلکان)، ج ۵، ص ۳۹۱ – ۳۹۲. البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۱۳، ص ۱۹۹ سیر اعلام النبلاء (تألیف: ذهبی)، ج ۲۳، ص ۲۷۴ خاطرنشان می گردد که: ذهبی (متوفای ۷۴۸) و ابن کثیر (متوفای ۷۷۴) در کتاب های خود به «وثاقت» ابن ابی الحدید تصریح نموده‌اند: سیر اعلام النبلاء (تألیف: ذهبی)، ج ۲۳، ص ۲۷۵ البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۱۳، ص ۲۳۳ (۲۷) – شرح حدیدی، ج ۱۶، ص ۲۸۱. (۲۸) – هرچند برخی منابع اهل سنت، از عیادت شیخین نیز سخن به میان آورده‌اند [ر.ک: الامامه و السیاسه (تألیف: ابن قتی به)، ج ۱، ص ۱۲ – ۱۳]؛ اما به دلیل جلوگیری از به انحراف کشیده شدن بحث در مقام مناظره، به ذکر آن نپرداختم و علاقمندان را به مطالعه صفحات ۱۶۶ – ۱۵۵ از بخش یکم کتاب «دانشنامه شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام » (تألیف: علی لباف، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر) دعوت می‌نمایم (۲۹) – کارهه. (۳۰) – مبغضه. (۳۱) – بلاغات النساء (تألیف: ابن طیفور)، ص ۳۲ (چاپ: دارالنهضه الحدیثه بیروت). ابن طیفور (متوفای ۲۸۰ هجری در بغداد) از ادیبان و شعرای بنام اهل سنت در زمان خویش است. خطیب بغدادی (متوفای ۴۶۳) در توثیق او می‌نویسد: «کان احد البلغاء الشعراء الرواۀ و من اهل الفهم المذکور ین ب العلم» ... تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۱۱ (چاپ: دارالکتب العلمیه بیروت). خاندان او به «اولاد الدوله» یا «ابناء الدوله» یعنی «فرزندان حکومت» مشهور بودند، زیرا نسبت به دربار و حکومت خلفای عباسی سرسپردگی و ارادت کامل داشتند. او کتابی در ۱۴ جلد با عنوان «المنثور و المنظوم» نوشت که مشتمل بر متون نثر و نظم از بزرگان و مشاهیر بود و در حال حاضر فقط جلد ۱۱ – ۱۲، و ۱۳ آن موجود می‌باشد. کتاب «بلاغات النساء» جلد ۱۱ آن است که به چاپ رسیده و سایر مجلدات، خطی است. دائرۀ المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۶۷۲ – ۶۷۶. «بلاغات النساء» به معنی «سخنان شیوای زنان» است و گلچینی از خطبه‌ها و گفته‌های فصیح بانوان می‌باشد که از «طریق راویان» به دست وی رسیده است. او بخش‌های کتاب را بر اساس اسامی زنان صاحب سخن، نام گذاری کرده است. وی ترتیب اسامی را الفبایی قرار نداده، بلکه تا حد زیادی بر اساس مذهب خود، اسامی را اولویت بندی کرده و لذا کتابش با «کلام عائشه ام المؤمنین» آغاز شده و سخنان حضرت فاطمه علیهاالسلام ، پس از آن قرار گرفته است. وی در نخستین کلام عایشه، سخنی از او می‌آورد که در، آن عایشه به دفاع از عملکرد پدرش و مدح و ثنای همه جانبه و اغراق آمیز او پرداخته است. (۳۲) – شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید معتزلی، ج ۱۶: ص ۲۳۳؛ به نقل از «السقیفه و فدک» (تألیف: ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری، متوفای ۳۲۳). (۳۳) – برخی منابع اهل سنت، حاوی اشاره‌هایی به سقط حضرت محسن علیه السلام در ماجرای هجوم به بیت فاطمه علیهاالسلام می‌باشند که چون استناد به آن ها نیازمند چینش مقدمات متعددی است، از اشاره به آن ها چشم پوشی نموده و علاقمندان را به مطالعه صفحات ۷۷ – ۹۳ و ۱۰۹ – ۱۱۳ و ۱۲۰ – ۱۲۴ و ۱۳۵ – ۱۴۷ بخش یکم از کتاب، «دانشنامه شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام » دعوت می‌نمایم بدیهی است که سقط حضرت محسن علیه السلام خواه آن را به دلیل ترس پدید آمده توسط مهاجمین یا لطمات جسمانی پدید آمده در ماجرای هجوم بدانیم و یا هر دلیل دیگری (و لو طبیعی!) برای آن قائل شویم، بیماری جسمانی شدیدی را به همراه آورده است. (۳۴) – این اصل بنیادین از «تواتر معنوی» برخوردار می‌باشد؛ زیرا هنگامی که صفحات منابع معتبر اهل سنت را ورق می‌زنیم، با احادیث متعددی از رسول خدا صلی الله علیه و آله مواجه می‌شویم که همگی آن‌ها، همین مضمون را یادآوری می‌نمایند. برخی از مشاهیر اهل سنت که این قبیل احادیث را نقل یا ثبت کرده‌اند، عبارت اند از: ابن مثنی بصری متوفای ۲۵۲ ر.ک: ذخائر العقبی، ص ۸۲ – ۸۳. ابوبکر بن ابی عاصم (متوفای ۲۸۷) ر.ک: الاصابه، ج ۸، ص ۵۷؛ شرح المواهب، ج ۴، ص ۳۳۰ ابویعلی موصلی (متوفای ۳۰۷) ر.ک: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱، ح ۳۴۲۳۸؛ مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۱۹۰ ابوالقاسم طبرانی (متوفای ۳۶۰) ر.ک: معجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۰۸، ح ۱۸۲؛ ج ۲۲، ص ۴۰۱، ح ۱۰۰۱ حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵) ر.ک: المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۷، ح ۴۷۳۰ [با توجه به این که حاکم نیشابوری در کتاب خود، احادیث صحیح را طبق شروط بخاری و مسلم آورده است؛ باید گفت: حدیث فوق، بر طبق مبنای بخاری و مسلم، صحیح است و

مورد قبول آن دو نیز می‌باشد.] ابوسعد خرگوشی (متوفای ۴۰۶) ر.ک: ذخائر العقبی، ص ۸۲ – ۸۳. ابونعیم اصفهانی (متوفای ۴۳۰) ر.ک: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱، ح ۳۴۲۳۸ ابن اثیر (متوفای ۶۳۰) ر.ک: اسد الغابه، ج ۶، ص ۲۲۴ ابن نجار بغدادی (متوفای ۶۴۳) ر.ک: کنز العمال، ج ۱۳، ص ۶۷۴، ح ۳۷۷۲۵ سبط بن جوزی (متوفای ۶۵۴) ر.ک: تذکرهٔ خواص الامه، ص ۲۷۹ محب الدین طبری (متوفای ۶۹۴) ر.ک: ذخائر العقبی، ص ۸۲ – ۸۳. ابوحجاج مزی (متوفای ۷۴۲) ر.ک: تهذیب الکمال، ج ۲۲، ص ۳۷۹ ابن حجر عسقلانی (متوفای ۸۵۲) ر.ک: الاصابه، ج ۸، ص ۵۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۴۴۲ ابن حجر مکی [هیتمی] (متوفای ۹۵۴) ر.ک: الصواعق المحرقه، ص ۱۰۵ متقی هندی (متوفای ۹۷۵) ر.ک: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱، ح ۳۴۲۳۸؛ ج ۱۳، ص ۶۷۴، ح ۳۷۷۲۵ (۳۵) – «و ذکر حماد بن سلمه عن هشام بن عروة عن ابیه: انها لما هاجرت دفعها رجل فوقعت علی صخرة فاسقطت حملها، ثم لم تزل وجعه حتی ماتت فکانوا یروا ماتت شهیده.» البدایه و النهایه (تألیف: ابن کثیر)، ج ۵، ص ۳۰۸ (چاپ: مکتبه النصر ریاض، ۱۹۶۶) و ج ۵، ص ۲۱۶ (چاپ: مؤسسه التاریخ العربی بیروت). (۳۶) – الشهید فی الشرع، القتیل فی سبیل الله. زبیدی حنفی (متوفای ۱۲۰۵) تاج العروس فی شرح القاموس، ج ۲، ص ۳۹۱

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات

شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹